



A Reflection on the Approach of the Draft Amendment to Chapter Five of the Islamic Penal Code (Ta'zirāt) Regarding Forgery and Use of Forged Documents

Mohsen Sharifi ¹✉

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Received: 11 January 2024

Revised: 8 April 2024

Accepted: 11 April 2024

Available Online: 12 May 2025

Keywords

Draft Amendment to Ta'zirāt Laws, Forgery, Types of Forgery, Formulation of Forgery Offenders, Enforcement Guarantee.



Abstract

The innovations in the new draft of the Islamic Penal Code concerning forgery and the use of forged documents include the identification of additional forms of this crime and related conduct, logical categorization of its natural and legal perpetrators, more precise elaboration of intellectual forgery, the inclusion of currency counterfeiting and mutilation within the scope of forgery, consolidation of provisions governing banknote forgery along with modifications, and the revision of the quantity and quality of some sanctions. Nevertheless, the implemented changes do not entirely remedy the deficiencies of previous regulations. Despite its necessity, the draft has neglected to criminalize certain acts contrary to public interest related to forgery, such as the transportation and possession of forged documents and objects—particularly money and currency—as well as the manufacture, possession, and trade of tools used for such acts. Furthermore, the intervention of legal persons in this domain is inadequately addressed, with emphasis only placed on the violation of research rules and ethics. Additionally, where indirect reference is made to intellectual forgery attributed to the personnel of governmental institutions, it lacks specific provisions and differential sanctions. In any case, this research, employing a descriptive-analytical method and using library resources, discusses the positive and negative aspects of the approach taken by the aforementioned draft.

Cite this article: Sharifi, M. (2024). A Reflection on the Approach of the Draft Amendment to Chapter Five of the Islamic Penal Code (Ta'zirāt) Regarding Forgery and Use of Forged Documents. *Criminal Law Doctrines*, 21(28), 177-204. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6425.2073>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تأملی بر رویکرد لایحه اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) راجع به جعل و استفاده از سند مجعول

✉ محسن شریفی^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir

چکیده

تازه‌های لایحه جدید مجازات اسلامی پیرامون جعل و استفاده از سند مجعول درخور و شامل شناسایی نمودهای بیشتری از این جرم و رفتارهای وابسته، گونه‌بندی منطقی بزه‌کاران حقیقی و حقوقی آن، تبیین دقیق‌تر جعل معنوی، الحاق قلب و تخدیش سکه به حوزه جعل، یک‌کاسه کردن احکام ناظر به جعل اسکناس توأم با تغییرهایی و اصلاح کمیت و کیفیت برخی از ضمانت اجراهاست. با وجود این، دگرگونی صورت گرفته، به تمامی، رفع‌کننده نقص‌های مقررهای پیشین نیست، چه به‌رغم ضرورت، از جرم‌انگاری برخی اعمال خلاف مصالح عمومی مرتبط با جعل، نظیر حمل و نگهداری اسناد و اشیای مجعول و به‌طور خاص پول و ارز و نیز ساخت، نگهداری و خرید و فروش ادوات مربوط به این اقدام غفلت ورزیده شده است. همچنین، بر مداخله اشخاص حقوقی در این قلمرو، به‌صورت نارسا و تنها در زمینه نقض قواعد و اخلاق پژوهش تأکید شده است. آن‌جا که نیز گریزی به جعل معنوی منتسب به پرسنل نهادهای حاکمیتی زده شده است، از مقرر و ضمانت اجرای افتراقی بی‌بهره است. به هر رو، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای، وجه‌های مثبت و منفی رویکرد لایحه مزبور را به بحث گذاشته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

کلیدواژه‌ها

لایحه تعزیرات، جعل، گونه‌های جعل، صورت‌بندی جاعلان، ضمانت اجرا.



استناد: شریفی، محسن. (۱۴۰۳). تأملی بر رویکرد لایحه اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) راجع به جعل و استفاده از سند مجعول. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۱(۲۸)، ۱۷۷-۲۰۴.
<https://doi.org/10.30513/cld.2025.6425.2073>



مقدمه

جعل و دیگر رفتارهای وابسته به آن، در زمره کنش‌های مخالف مصالح عمومی و پایه جرم‌انگاری آن‌ها، حمایت از موقعیت‌ها و رابطه‌های حقوقی است که از مجرای تنظیم و به‌کارگیری نوشته‌ها و سندها و یا ساخت و بهره‌جویی از برخی اشیا و علامت‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی شکل می‌گیرد. وجه دیگر این قضیه جلوگیری از وقوع جرم‌های محتمل دیگر نظیر کلاه‌برداری، اختلاس، دخالت در مشاغل دولتی، تدلیس در ازدواج، فرار از خدمت سربازی، افترا و انحراف در عدالت قضایی از این رهگذر است. از این رو، در هر دوره قانون‌گذاری، فصل یا مبحث مستقلی راجع به جعل و تزویر پیش‌بینی و پاسخ‌های کیفری متنوعی بسته به جلوه‌های آن تدارک دیده شده است.

هم‌اکنون، مصوبه عام فراروی مرجع‌های کیفری برای استناد در این چارچوب، فصل پنجم از بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که علی‌رغم اختصاص بیست ماده تفصیلی از آن به توصیف، طریق‌های تحقق، مصداق‌ها و ضمانت اجرای این جرم، از بایسته‌های لازم برخوردار نیست، چه چالش‌های ناشی از آن، از همان آغاز فصل مورد اشاره با عجز از ارائه تعریف مفهومی و بسنده کردن به ذکر نمودهای ناکاملی از آن بروز و در ادامه، به دیگر موردها از جمله، ابهام در انتساب جعل مفادی به اشخاص خارج از نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اجرایی، ایجاد تردید در تحقق این نوع جعل از طریق ترک فعل، نداشتن موضع صریح نسبت به تحقق جعل در تصویر یا رونوشت سند یا نوشته، پوشش دادن رفتارهای دارای ماهیتی متفاوت از جعل همچون صدور گواهی خلاف واقع (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۷-۲۱۳ و ۲۴۷-۲۴۳؛ میرکمالی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹-۲۰۸)، ملحق نمودن قلب سکه به قلمرو جعل، تداخل مفاد برخی ماده‌ها و گونه‌بندی ناقص جعل‌های منتسب به اشخاص حقیقی و حقوقی تسری یافته است. افزون بر این، وجود مقرره‌های عدیده و ایجاد تبعاتی مانند دشواری در امر تشخیص و تصمیم‌گیری، وضع نابسامانی را ایجاد کرده است (منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲، ص ۲۹۷-۲۹۶؛ گلشنی و دیگران، ۱۳۸۸).

مسائل بالا موجبات تنظیم مبحث نخست از فصل پنجم لایحه تعزیرات را همراه با بداعت‌هایی فراهم کرده است. نسخه نخست این نوشتار در سال ۱۴۰۱ تنظیم و متعاقب بررسی آن توسط جامعه حقوقی کشور، در بوته نقد قرار گرفت. در ادامه، هرچند فصل‌های دیگری از

متن یادشده دستخوش دگرگونی شد، اما دامن گیر قلمرو بالا نگردید. آخرین نسخه تنظیم شده در زمستان ۱۴۰۳ نیز دربردارنده تغییری در این حوزه نیست. حال، پرسش این است که این سند، حاوی چه تدبیرهای فروگشا برای حل مسائل حوزه جعل از جمله مورد های یادشده است؟ چنین به نظر می رسد که در متن مزبور، به تجلی های بیشتری از جعل و جرم های مؤخر بر آن توجه و همچنین، طبقه بندی دقیق تری از اشخاص درگیر آن ها ارائه شده است. به اضافه، برخی از مصوبه های موازی مثل قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس با تغییرهای معناداری در مقرره ای واحد ادغام شده اند. با این همه، متن مورد اشاره، از کاستی هایی چون عدم توصیف جزایی برخی از فعل های مزورانه تحت عنوان جعل یا جرم متصل به آن، الحاق برخی نقض هنجارها به جعل به رغم نداشتن سنخیتی با آن ها نظیر برخی تخلف های پژوهشی، تفکیکی ناتمام از جعل های منتسب به اعضای نهادهای غیرحاکمیتی و اجرایی و جرم نپنداشتن تولید، تهیه، نگهداری و خرید و فروش ابزارهای مختص ارتکاب جعل اشاره رنج می برد.

در خصوص پیشینه پژوهش گفتنی است که تاکنون درباره این پدیده و جرم های متعاقب آن، آثار مکتوب معتنابه و مانایی چون کتاب، مقاله و پایان نامه به رشته تحریر درآمده است. از جمله آنچه منتسب به اندیشمندانی نظیر دکتر حسین میرمحمدصادقی، دکتر عباس شیر، دکتر عباس منصورآبادی، دکتر محمدجواد فتحی و محمد سلیمان پور است. اما آن ها یکسره مربوط به تحلیل فصل پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جعل های موردی ناظر به قوانین خاص و یا مقرره های پیش از انقلاب اسلامی است. به این ترتیب، تاکنون تحقیقی درباره ارزیابی نگرش لایحه تعزیرات نسبت به این جرم و ملحقات آن صورت نگرفته است. با این توضیح، ساختار پژوهش به این شکل است که در بند نخست، تغییرات داده شده به ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بررسی شده است. در بند دوم، اشخاص بزهکار به اعتبار وابستگی یا عدم وابستگی به تشکیلات سازمانی و جعل منتسب به آن ها مورد تشریح قرار گرفته اند. در بند سوم نیز به تبعات یکپارچگی احکام ناظر به جعل پول و سکه پرداخته شده است.

۱. تبیینی معقول تر از گستره جعل

هیچ یک از قانون های عام و خاص فعلی، تعریفی از جعل که مبین مفهوم و ماهیت آن باشد،

ارائه ننموده‌اند. در وضع کنونی، تنها مأخذ قابل اتکا برای تأمل، ماده ۵۲۳ کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ است. متن طولانی‌ای که نمودهایی از این رفتار خلاف مصالح عمومی کشور را برشمرده و دست آخر، با اضافه شدن عبارت «و نظایر این‌ها»، به آن، رو به ابهام گذارده است. ماده ۱۱۶ لایحه تعزیرات^۱ نیز به عنوان جایگزین، در تکاپوی رفع این نقص برنیامده است. با وجود این، حاوی تغییرهای شکلی و ماهوی چندی است. به لحاظ شکلی می‌توان به حذف اصطلاح «تعزیر» پس از اصطلاح «جعل» اشاره کرد. با وجودی که اغلب (پیمانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶؛ بارانی، ۱۴۰۳، ص ۱۶؛ گرایلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴)؛ و نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه (۱۳۷۵/۴/۲۶-۷/۲۳۵۰) بین مورد‌های یادشده تفاوت معناداری قائل نشده و تزویر را تأکیدی بیش بر ماهیت دروغین و اغفال‌کننده جعل دانسته بودند، برخی (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵)، اصطلاح نخست را معطوف به جعل معنوی دانسته بودند. در بیان نادرستی تعبیر اخیر همین بس که قانون‌گذار در مقام معرفی برخی نمادهای جعل مادی از جمله در ماده ۵۳۲ کتاب تعزیرات از اصطلاح تزویر، و در هنگام اشاره به مصداق‌هایی از جعل معنوی از جمله در ماده ۵۳۴ منبع مزبور، از ترکیب هر دو اصطلاح استفاده کرده است (سالاری شهراباکی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶).

به لحاظ ماهوی نیز می‌توان به رفع ضعف ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی در غفلت از جعل معنوی و شیوه انجامش با ذکر جمله «... یا تحریف مطالب یا اظهارات دیگری حین تقریر آن‌ها...»، اشاره کرد. هرچند ماده ۵۳۴ قانون مزبور به تشریح این نوع جعل تخصیص یافته بود، اما عدم انعکاس آن در مصداق‌های ماده ۵۲۳ وجهی نداشت. خلأ دیگر پرشده توسط این ماده، تصریح به اثر انگشت و امکان بروز جعل نسبت به آن از این سه طریق و پایان دادن به اختلاف رویه‌های موجود در این باره است: نخست، ساختن اثر انگشت دیگری؛ دوم، انگشت زدن به جای دیگری و سوم، به کار بردن اثر انگشت دیگری بدون اذن صاحب آن. در وضع فعلی هم، علی‌رغم برخی دیدگاه‌ها به عدم امکان تحقق جعل از این مجرا به سبب نبود نصی صریح (فضلی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۳)، با توجه به این که قانون و عرف برای اثر انگشت افراد

۱. طبق این ماده: «جعل عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا هر گونه تغییر در نوشته یا سند اصیل از قبیل خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا تحریف مطالب یا اظهارات دیگری حین تقریر آن‌ها یا شبیه‌سازی یا ساختن مهر یا امضای اشخاص یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن‌ها یا انگشت زدن به جای دیگری یا ساختن اثر انگشت دیگری یا به کار بردن «بدون رضایت وی در فضای واقعی یا مجازی و نظایر آن‌ها به قصد تقلب».

در مورد هایی مثل شرکت در انتخابات، ارزشی همپایه امضا قائل شده اند، می توان با تفسیری منطقی، ماده ۵۲۳ را مشمول آن دانست، زیرا با وجود تفاوت اثر انگشت هر فرد نسبت به دیگری از نظر فنی، اما درج آن در کنار نام غیر، احتمال به اشتباه افکندن مردم بی توجه به خط ها و شیارهای این اثر را باعث می شود (بارانی، ۱۴۰۳، ص ۳۶؛ منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲، ص ۵۸). عبارت «و نظایر این ها» در انتهای ماده مزبور هم این منطق را تقویت می کند که درج اثر انگشت فرد در ذیل یک نوشته، جز به معنای تأیید مندرجات متن توسط صاحب اثر انگشت نخواهد بود. اهمیت ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز از این روست که رسمیت اثر انگشت را مورد اذعان قرار داده است (شیری، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱). به رغم این، شماری از حقوق دانان با زیر سؤال بردن این دیدگاه، آن را خلاف اصل قانونی بودن جرم و تعبیر متون جزایی به نفع متهم دانسته اند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۴-۲۱۵).

اشاره لایحه در قسمت انتهایی ماده مورد گفت و گو به فضای مجازی و مساعد دانستن بستر آن برای تحقق جعل، به انضمام نسخ قانون جرائم رایانه ای در ماده ۴۲۲ و همسان کردن مجازات جعل در این ساحت با جعل سنتی در ماده ۱۳۳، وجه مثبت دیگر آن است. در حالی که فرق قابل ذکری بین شناعة ارتکاب این جرم در این دو بستر وجود ندارد، موضع قانون جرائم رایانه ای در پیش بینی ضمانت اجرایی متفاوت و بلکه در اغلب حالت ها با شدتی کمتر^۲ نابسند (منصور بستانی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۱) و رهیافت لایحه^۳ از این رو منطقی تر می نماید. مسئله دیگر، برداشت های ناهمسو راجع به میسر بودن تحقق جعل در قبال تصویر یا رونوشت سندها و نوشته هاست. برخی (زیرائی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۷۰۶؛ اداره حقوقی قوه قضائیه، نظریه های ۷/۲۰۷۳-۱۳۷۸/۴/۵ و ۱۳۷۴/۱۷۳-۷/۶۰۸۶) با قائل به تفکیک شدن بین نسخه مصدق و غیرمصدقی موردهای نام برده، نوع نخست را به سبب کسب اعتبار از این طریق، مشمول تحقق این جرم می دانند.

۲. ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس به طور غیر مجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهد شد: الف) تغییر یا ایجاد داده های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها به آن ها. ب) تغییر داده ها یا علائم موجود در کارت حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا تراشه ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها یا علائم به آن ها».

۳. ماده ۱۳۳: «ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر حسب مورد مشمول مجازات های مقرر در این فصل خواهد بود: الف) تغییر یا ایجاد داده های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها به آن ها یا استفاده از آن ها. ب) تغییر داده ها یا علائم موجود در کارت حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا تراشه ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها یا علائم به آن ها».

کما این که رویه برخی از دادگاه‌ها همسو با چنین ایده‌ای تنظیم و تثبیت یافته است. از جمله می‌توان به دادنامه شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران اشاره کرد که با نقض دادنامه تجدید نظر خواسته، به صراحت اقدام متهم در اخذ کپی از شناسنامه و تغییر در شماره آن و در نهایت، فریب بزه دیده نسبت به دریافت چک و وصول وجه آن را به سبب برابر با اصل نمودن آن، مصداق جعل و کلاهبرداری (تعدد مادی) از طریق استفاده از سند مجعول (تعدد معنوی) پنداشته است.^۴ در برابر، برخی (ساریخانی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۳؛ منصوریآبادی و فتحی، ص ۴۷)، با رد این تفکیک و نفی سندیت هر نوع روگرفت، آن‌ها را موضوع جعل نمی‌دانند. رویکرد سوم نیز معتقد به تحقق جعل در کپی، هر چند به شکل تصدیق نشده، به جهت بها دادن به آن‌ها در بسیاری از نهادهاست (شاکری و رضایی سراجی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱). همسویی برخی از دادگاه‌های کشور با این تلقی و بروز تشتت در رویه موجود نیز قابل انکار نیست، چندان که می‌توان به رأیی غیر از مورد مذکور که در برهه دیگری از مرجع عالی یادشده صادر و مشمول قطعیت شده است، اشاره کرد.^۵ همچنین است اتخاذ این رویکرد از جانب برخی دادگاه‌های نخستین. از جمله می‌توان به رأی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری (۲) دادگستری شهرستان قدس نسبت به مبیعه‌نامه و استفاده از آن و اخذ پروانه ساخت توجه کرد،^۶ اگرچه در نهایت شعبه ۶۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران با وقعی نهادن به این برداشت، آن را نقض می‌کند.^۷ تبصره ماده ۱۱۶ لایحه ضمن پذیرش دیدگاه نخست، ارتکاب رفتارهای موضوع این ماده را در مورد تصویر یا رونوشت سند یا نوشته‌ای که حتی در مقطعی بعد نیز برابر با اصل شده باشد، جعل منظور کرده است.

در کنار این حقیقت، از چند سو به ماده ۱۱۶ نقد وارد است:

■ نخست: عدم ارائه تعریفی بایسته و مفهوم‌محور از جعل. انتظار می‌رفت با الگوگیری از نگرش صورت‌گرفته نسبت به جرمی چون سرقت در قانون مجازات اسلامی، در این مجال

۴. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۴۳۸ که ماحصل آن عبارت است از: تعیین مجازات یک سال حبس برای جعل و دو سال حبس و رد مال در حق شاکی به مبلغ سیصد و نود و هفت میلیون ریال و جزای نقدی معادل این مبلغ در حق دولت و البته رد مال در حق شاکی.

۵. رأی ۹۲۰۹۹۸۲۱۴۶۷۰۰۱۹، مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران (به نقل از: معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان تهران، ۱۴۰۳، ص ۲۰۹-۲۱۷).

۶. دادنامه شماره ۱۹۱۰ مورخ ۲۵/۱۲/۹۴.

۷. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۵۹۰۰۵۷۸.

نیز یک ماده به تعریف و ماده دیگر به بیان مصداق‌های جعل تخصیص داده می‌شد. با وجود دشواری تعریف این جرم، می‌توان بیان مفهوم کرد که: «جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن سند، نوشته یا اشیا و چیزهای دیگر، و به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه، به قصد تقلب و اضرار به غیر». مقبولیت این عبارت از این روست که به مؤلفه‌های بنیادینی چون موضوع جعل، طریق‌های سه‌گانه تحقق این پدیده مشتمل بر ساختن، تغییر دادن، به کار بردن و به رکن روانی آن (قصد تقلب و اضرار به دیگری) توجه کرده است (شیری، ۱۴۰۱، ص ۱۴).

■ دوم: قلب مسکوکات طلا و نقره و غیر آن‌ها و دیگر جرم‌های پیرامون آن، شکلی از جعل است و به درستی توسط لایحه در زیرمجموعه بحث جعل و استفاده از سند مجعول جای گرفته‌اند (ماده‌های ۱۴۲-۱۴۰). اگرچه این موضوع در بندهای بعدی مورد تفصیل قرار خواهد گرفت، اما در این جا همین بس که اشاره شود علی‌رغم اهمیت چنین نکته‌ای، ماده ۱۱۶ به آن اشاره نکرده است.

■ سوم: اگر به سطر نخست این ماده نگریسته شود، جعلیت نوشته یا سند دستخوش تغییر شده، منوط به اصالت آن شده است. در نتیجه، نمی‌توان هیچ نوع کاستن یا افزودنی به مکتوبات ساختگی را با هر قصدی جعل پنداشت. این تلقی، که امتداد دیدگاه برخی صاحب نظران (مصلایی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۱؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۴؛ ستاری، ۱۴۰۳، ص ۳۴۳) است، جای درنگ دارد، زیرا ساختن توأم با نیت سوء نوشته یا سند می‌تواند کلی یا جزئی باشد، با این تفاوت که در فرض نخست، تمام و در فرض دوم، بخشی از آن‌ها توأم با تزویر خواهد بود. به همان میزان که توده مردم ممکن است از طریق نوشته یا سند به کل ساخته شده، با وجود نداشتن ارزش حقوقی، اما به خاطر شباهت با اصل، در معرض اغفال و قبول آن‌ها به عنوان نسخه معتبر قرار گیرند، دست‌کاری در نوشته یا سند پیش‌تر جعل شده نیز هر آینه آن‌ها را قانع به پذیرش به جای اصل می‌کند.

■ چهارم: رفتارهای برشمرده شده در ماده ۱۱۶ به گونه‌ای است که گویی جملگی مظهر فعل‌اند، درحالی‌که جعل معنوی از هر دو طریق فعل و ترک فعل ممکن می‌نماید. حالت نخست، مانند درج شرطی در هنگام تنظیم قرارداد توسط بنگاه دار با سوءنیت به ضرر خریدار نا آگاه از این امر و حالت دوم، مثل عدم قید خواسته مورد تصریح خریدار در حین تنظیم سند (سلیمان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۷۳).

■ پنجم: عبارت مندرج در ماده بالا مبنی بر «شبهه‌سازی یا ساختن مهر یا امضای اشخاص» که پس از جمله «یا تحریف مطالب دیگری حین تقریر آن‌ها» و پیش از جمله «یا به کار بردن مهر دیگری بدون رضایت صاحب آن» ذکر گردیده، وضوح لازم را ندارد، چه معلوم نیست به کدام جلوه یا جلوه‌های جعل اشاره دارد؟ این‌که شبهه‌سازی شرط تحقق جعل است یا نه، البته میان اصحاب نظر و آرای محاکم مسئله است. با این حال، تحلیلی که شبهه‌سازی را ضرورتی اصولی برای حقیقت پیدا کردن این جرم نمی‌داند مگر در مورد مصداق‌های معروفی مانند اسکناس‌های رایج، واقع‌بینانه‌تر است (رای شماره ۱۳۸۸-۵/۲۷-۱۳۲۵؛ کامفر، ۱۴۰۳، ص ۵۲۳؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۷-۲۵۵).

■ ششم: در این‌که باید «پاراف» را به منزله امضا محسوب و ساختن متقابله این علامت را جعل دانست یا نه، این ماده از لایحه مانند ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) سخنی ندارد. از آن‌جا که در ساختار اداری کشور، پاراف نمودن نامه‌ها امری معمول و مقام تحت امر را موظف به اجرای دستور مقام مافوق می‌کند، الحاق آن به امضا نشان از واقع‌بینی وضع موجود است. از این حیث، مناسب بود که لایحه به یکی از این دو صورت اقدام به جمله‌بندی می‌نمود: «... ساختن مهر یا امضا یا پاراف اشخاص...» یا «... ساختن هر نوع علامت منتسب‌کننده نوشته یا سند به دیگری مانند مهر، امضا یا پاراف...».

۲. سامان‌دهی بیش از پیش اشخاص بزهکار و گونه‌بندی جعل منتسب به آن‌ها

پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی قاعده و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موردی بود. از آن سو به بعد، اشخاص اخیر نیز تحت شرایطی مسئولیت فراگیری در قبال عموم جرم‌ها از جمله جعل و جرم‌های متصل به آن را یافتند. لایحه مدنظر، در خصوص معرفی کنشگران حقیقی و حقوقی خاطی و نوع جعل ناشی از رفتار آن‌ها نسبت به بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی تفکیک و تفصیل بیشتری داده است.

۱-۲. اشخاص حقیقی

در تحول صورت‌گرفته، به اشخاص حقیقی از حیث تعلق یا عدم تعلق به سازمان‌ها و تشکل‌های حاکمیتی، اجرایی یا عمومی با دقتی افزون‌تر از گذشته اعتنا و شکل‌های تحقق جعل و جرم‌های در پیوند با آن، متناسب با موقعیت هر مرتکب ترسیم و در معرض ضمانت اجرا قرار گرفته‌اند.

۱-۱-۲. کارکنان نهادهای حکومتی و اجرایی

از نمونه مصوبه‌های حاکم بر نظام استخدامی کشور، قانون عام مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی، قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی و ماده ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ است که راجع به بخش دولتی و جزئیات به خدمت گرفتن شهروندان در این ساختار تنظیم شده‌اند. سیاست کلی خدمات کشوری، تسری دامنه شمول این قانون‌ها بر همه کارکنان دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی به‌ویژه حول ماده ۵ قانون نخست به هدف ایفای نقش بهینه آن‌هاست (همتی، ۱۴۰۰، ص ۲۴۵). لایحه یادشده نیز بر اساس مقرره‌های بالا، با تمرکز بر نهادهایی مانند وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسه‌ها و توابع آن‌ها به بیان انواع جعل ارتكابی از جانب کارگزاران آن‌ها پرداخته و ضمانت اجرا تعیین ضمانت کرده است.

۱-۱-۲-۱. ارتکاب جعل مادی؛ اصلاح ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

این مورد از جعل، همان‌گونه که از نام آن پیداست، جنبه فیزیکی و مادی دارد و به شکل ساختن یا تغییر مادی در نوشته یا سند نمود می‌نماید. از این رو، هرچند هم که مرتکب در این امر مهارت به خرج داده باشد، به واسطه به جای ماندن آثار خدشه برای بستری چون سند یا نوشته، تزویر صورت گرفته، توسط کارشناس و کاربست تکنیک‌های علمی قابل شناسایی است (شیری، ۱۴۰۱، ص ۱۳۹). قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ابعاد تحقق این نوع جعل توسط خدمه دولتی را به‌طور مستقل در ماده ۵۳۲ بررسی و تحت ضمانت اجرای تا حدی شدید (حبس یک تا پنج سال یا جزای نقدی پنجاه تا دویست و پنجاه میلیون ریال) قرار داده است. با وجود این، ضرورت وضع ماده ۱۱۸ لایحه در این زمینه، از چند رو بوده است:

■ نخست: این ماده در خصوص وضعیتی که مأمور مورد نظر چنین جعلی را بدون ارتباط با انجام وظیفه خود مرتکب شود، تکلیف را روشن و مجازات او را مانند مجازات افراد عادی انجام‌دهنده این رفتار (حبس یا یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش)^۸ تعیین کرده است، درحالی‌که اکنون بین حقوق دانان در این‌که آیا مجازات پیش‌بینی شده برای افراد

۸. طبق ماده ۹ لایحه، این مجازات‌ها عبارت‌اند از: دوره مراقبت به مدت یک تا دو سال، جزای نقدی روزانه بیش از سیصد و شصت تا هفت صد و بیست روز، محرومیت از انتخاب شغل، تصدی، استخدام، عضویت در دستگاه‌ها و ارگان‌های مندرج در بند «ب» بیش از دو سال تا چهار سال و اقامت اجباری در محل معین یا منع از اقامت در محل یا محل‌های معین به مدت بیش از دو سال تا چهار سال.

عادی، موضوع شامل ماده ۵۳۳، مشمول او می‌شود (بارانی، ۱۴۰۳، ص ۸۸) یا هیچ تهدید کیفری متوجه او نیست (میرمحمدصدقی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۴)، وحدت نظر وجود ندارد. این دوگانگی ناشی از نگرش ماده مزبور است که مرتکب جرم را مستخدمین غیردولتی معرفی کرده است.

■ دوم: برخلاف ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که با محدود کردن مرتکبان جعل مورد اشاره به کارمندان و مسئولان دولتی، بزه‌کاران نهاد‌های عمومی غیردولتی را به اجبار مشمول ضمانت اجرای افراد عادی موضوع (ماده ۵۳۳) نموده است (حیدری، ۱۴۰۱، ص ۷۳۱-۷۳۰) و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۷۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۲/۸ را مؤید خود دارد،^۹ ماده ۱۱۸ لایحه با اشاره به دستگاه‌های اجرایی، هم‌ردیف با نهادهای حاکمیتی، به حل این مسئله انجامیده است. رجوع به ماده ۵ قانون خدمات مدیریت کشوری نیز دلالت آشکاری بر قرار گرفتن مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی ذیل دستگاه‌های اجرایی دارد.

■ سوم: برخی حقوق دانان (پیمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵؛ زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲)، دامنه شمول ماده ۵۳۲ به اعتبار شماری از رفتارهای ذکرشده در آن، مثل تغییر اسم‌های اشخاص را به جعل معنوی هم تسری داده‌اند. پذیرش این گفته دشوار است، زیرا انحصار ماده ۵۳۴ به این نوع جعل، منجر به زیر سؤال برده شدن فلسفه وجودی وضع دو مقرره مجزا برای تبیین دو نوع جعل متفاوت می‌شود. به این ترتیب، ماده ۱۱۸ لایحه برای رفع این تشتت به حذف موردهای شبهه‌انگیز این چنینی از ماده ۵۳۲ اقدام کرده است.

■ چهارم: تبصره ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برای جعل مدارک دانشگاهی توسط کارکنان دولتی، نهادهای انقلابی و شهرداری، سوای این‌که در ارتباط با وظیفه آن‌ها باشد یا نه، مجازات سه سال حبس را در نظر گرفته است. از آن‌جا که جاعلی با این مختصات و نیز موضوع جعل منتسب به او مشمول ماده ۵۳۲ است، پیش‌بینی ماده ۵۲۷ با پاسخ کیفری نه‌چندان شدیدتر، پشتوانه‌ای ندارد. ماده ۱۱۸ لایحه در توجه به این نکته، ضمن ادغام موضوع

۹. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این پرسش که شهردار شهری که در اجرای وظایف قانونی خود مرتکب جعل مادی در پروانه ساختمانی صادره توسط آن شهرداری شده است و میزان مجوز ساخت را کم‌و زیاد نموده است، رفتار وی مشمول ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است یا ماده ۵۳۳ این قانون؟ اظهار می‌دارد: «با توجه به آن‌که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، در موارد متعدد در کنار کارمندان دولتی یا نهادهای دولتی، شهرداری‌ها را نیز ذکر نموده است، مانند مواد ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۷۶، ۵۹۸، ۶۰۹ و ۶۹۰، به دوئیت کارمندان دولت و مسئولین دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از جمله شهرداری‌ها علم داشته است، لذا به جهت عدم ذکر شهرداری در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، در صورت ارتکاب جعل توسط شهردار، با عنایت به کارمند نهاد عمومی غیردولتی بودن، وی مشمول ماده ۵۳۳ قانون مزبور می‌شود». <https://davoudabadi.ir/>

ماده ۵۲۷ در محتوای خود، به ارتباط بین رفتار مرتکب و رسالت شغلی اش اشاره و آن را عاملی برای سنگینی کیفر او قرار داده است.

■ پنجم: عبارت «علاوه بر جبران خسارت وارده»، از شمار ضمانت اجراهای ماده ۵۳۲ حذف گردیده است. درستی این تصمیم از این روست که ضرر و زیان ناشی از جرم یک امر مدنی و روند مطالبه اش مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی در دادگاه جزایی ممکن است. گذشته از این، وجود عبارت بالا در کنار ضمانت اجراهای کیفری، شائبه بی نیازی بزه‌دیده از لزوم تقدیم دادخواست و عدم رعایت دیگر ضابطه‌های شکلی را ایجاد کرده بود.

اشکال‌های شکلی و ماهوی وارد بر لایحه در تنظیم ماده مورد ذکر نیز عبارت‌اند از:

■ نخست: نمی‌توان تصور کرد که عملکرد کارمند در راستای انجام وظیفه تعریف شده، نقض قانون و در نتیجه جعل باشد. شکستن هر گونه هنجار در یک ساختار، جز در پرتو رفتار مخالف وظیفه صورت نمی‌گیرد. پس روا بود که از عبارت مناسب‌تری چون «ارتکاب جعل در ارتباط با انجام وظیفه» استفاده می‌شد.

■ دوم: طبق قانون، ارتکاب هر قسم جعل از جمله این مورد توسط هر شخص مقید به نتیجه خاصی نیست و به این ترتیب، آن‌ها در جرگه جرم‌های مطلق قرار می‌گیرند. با این همه، عدالت کیفری ایجاب می‌کرد که برای فرض حصول پیامد ناشی از این اقدام، ضمانت اجرای سخت‌تری تعیین می‌شد. همان‌طور که در ماده ۶۰ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳، اصلاحی ۱۳۶۸ و ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ چنین شده است.

■ سوم: ماده گفته شده، در خصوص سندها و نوشته‌های عادی‌ای که بنابه جهت‌هایی در اختیار این پرسنل قرار گرفته و با سوءنیت مرتکب جعل در آن‌ها می‌شوند، تعیین ضمانت اجرا نکرده است. بسیار معمول است که مأموران مؤسسه‌های دولتی یا عمومی، مدارکی مانند قولنامه یا استشهدایه محلی مربوط به ارباب رجوع را حسب ضرورت دریافت و برای احراز شرایطی بررسی کنند. این رفتار به ناچار مشمول ماده ۱۲۲ و پاسخ کیفری سبک ذکرشده در آن (یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هفت)^{۱۰} می‌شود.

۱۰. طبق ماده ۹ لایحه این مجازات‌ها عبارت‌اند از: دوره مراقبت بیش از شش ماه تا یک سال، خدمات عمومی رایگان بیش از دوپست و هفتاد ساعت تا پانصد و چهل ساعت، جزای نقدی روزانه از یک صد و هشتاد تا سیصد و شصت روز، اجبار به اقامت در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، محرومیت از انتخاب شغل، تصدی و... از یک تا دو سال.

۲-۱-۱-۲. ارتکاب جعل معنوی؛ اصلاح ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

در این نوع جعل برخلاف جعل پیش‌گفته، بزه‌کار بدون اقدام به ساختن یا ایجاد تغییر در هر یک از مصداق‌های احصاشده قانونی، از طریق درج وارونه حقیقت در بطن آن‌ها، درصدد اغفال دیگران برمی‌آید. از آن‌جا که در این اقدام، مرتکب مفاد تزویرنموده را به دیگری و نه به خود منتسب می‌کند، نباید آن را با بزه گواهی خلاف واقع که از مفهوم دیگری برخوردار و منتسب الیه دروغینی ندارد، واحد دانست (میرکمالی و عباس‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱؛ کوشا، ۱۳۸۱، ص ۳۱). در مجموع، ویژگی‌های خاصی که جایگاه این مدل از جعل را متمایز از هر مفهوم دیگری می‌کند عبارت‌اند از: نخست، توجه آن به مندرجات نوشته یا سند به عنوان اموری معنوی؛ دوم، تحقق به هنگام تنظیم نوشته یا سند؛ سوم، اهلیت سازنده نوشته یا سند، همچون مقام قضایی تنظیم‌کننده صورت مجلس محاکمه که در آن بزنگاه حقیقتی را ابتدا در ذهن تحریف و سپس در آن منعکس می‌کند؛ چهارم، اثبات آن از رهگذر قرائن و امارات و دلیل‌های معارض و نه از طریق کارشناسی (شیری، ۱۴۰۱، ص ۲۰۴-۲۰۶). باری، ماده ۱۲۴ لایحه که جانشین ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی راجع به تبیین این شکل از جعل شده است، نسبت به آن، حاوی فرق معناداری مگر در خصوص این چند مورد نیست: نخست، در معرفی مرتکبان جرم نام برده، با به خرج دادن دقت، به مستخدمین نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اجرایی، به جای کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأموران به خدمات عمومی، اشاره کرده است. دوم، به هدف اثربخش‌تر کردن ضمانت اجراها، حبس و انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه پنج را جایگزین حبس یک تا پنج سال یا جزای نقدی پنجاه تا دویست و پنجاه میلیون ریال کرده است. به خصوص، رجحان ضمانت اجرای انفصال در برابر جزای نقدی، به سبب سوءاستفاده هر یک از اعضای شخصیت‌های حقوقی پیش‌گفته از موقعیت خود برای ارتکاب جرمی چنین مهم، محسوس، و مؤید سلب اعتماد عمومی از چنین خاطیانی است.

ضعف‌های این ماده نیز برشمردنی است:

■ نخست: از اشاره صریح به عبارت «جعل معنوی یا مفادی» که در ادبیات حقوق کیفری عنوانی مأنوس و تثبیت‌یافته است، پرهیز و با ذکر برخی الگوهای رفتاری، بیان مقصود کرده است.

■ دوم: با اشاره به برخی مصداق‌ها نظیر «تحریف مهر»، عدم درک درست خود از این‌گونه جعل را نشان داده است، زیرا در خصوص این شیء، تحقق جعل جز به شکل مادی مثل «ساختن» یا «به کار بردن» مقدور نیست. کافی بود به ماده ۱۰۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که در مقام شناساندن همین قسم از جعل با آگاهی ذکری از نمونه مناقشه برانگیز مزبور ننموده است، رجوع و از آن الگوبرداری می‌شد.

■ سوم: به این حالت متصور که بسا ارتکاب جعلی از این نوع توسط مأمور یک دستگاه بدون ارتباط با انجام وظیفه شغلی اش تحقق یابد، التفاتی نشده است. این برداشت که تحریف حقیقت در حین نگارش نوشته یا سند معنی شکل گرفته و خارج از چارچوب وظیفه نمی‌توان قائل به حقی برای تنظیم هیچ‌گونه متن رسمی برای مأمور خطا کار و در نتیجه تحقق جعلی از این نوع شد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۵)، پذیرفته نیست، زیرا محتمل است که پرسنل دستگاه حاکمیتی یا اجرایی دارای اختیارات مشخص در حوزه‌ای چون مالی، به رغم دریافت ابلاغ انفصال از خدمت در زمینه‌ای که نباید، ورود کرده و با بستن قراردادی با طرف مقابل ناآگاه از این وضعیت، تفریرهای او را هنگام تحریر تغییر دهد.

۲-۱-۲. کارکنان نهادهای غیرحاکمیتی و دستگاه‌های اجرایی

منظور از این دسته از کارکنان اشخاص شاغل در مراجع موضوع ماده ۲ لایحه تعزیرات از جمله شرکت‌ها و مؤسسه‌های عهده‌دار ارائه خدمات عمومی همانند کانون وکلای دادگستری، مؤسسه‌های داوری و میانجی‌گری، دفاتر خدمات الکترونیک، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی و دفاتر اسناد رسمی است. به هر صورت، ارزیابی آورده‌های لایحه راجع به طیف جعل‌های قابل وقوع در این ساختار توسط چنین افرادی در قیاس با قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اهمیت دارد.

۲-۱-۲-۱. ارتکاب جعل مادی

بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی درباره ارتکاب جعل‌هایی از جمله با این سبک توسط اعضای بنیادهای ذکرشده، فاقد حکم مستقلی است. پس باید آن‌ها را همچون افراد عادی مشمول ماده ۵۳۶ و ضمانت اجرای سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی بیست و پنج تا یکصد میلیون ریال دانست. ناگفته پیداست که در پرتو این واکنش ضعیف نمی‌توان اشخاص صاحب موقعیت و مترصد فریب‌کاری از طریق سندسازی یا دست‌کاری در سند یا نوشته اصیل را منصرف

از انجام بزه کرد، به ویژه این که قانون موسوم به کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، جعل موضوع ماده بالا را از شمول جرم‌های غیرقابل گذشت خارج کرده است. این است که لایحه تعزیرات در راستای رفع این ناکارآمدی، با اختصاص ماده ۱۱۹ به این موضوع، برای هریک از کارکنان مراجع مورد بحث که در پیوند با انجام وظیفه خود به ارتکاب جعل در نوشته‌ها و سندها و غیره دست زند، حبس بیش از شش ماه تا دو سال و محرومیت از فعالیت شغلی و حرفه‌ای درجه شش را در نظر گرفته است. اضافه بر این که رفتار یادشده، نه در این ماده و نه در هیچ مقررۀ دیگری از لایحه، واجد جنبه خصوصی دانسته نشده است. ممکن است که کارکنان ذکرشده، جعل مورد گفت و گو را بدون ارتباط با رسالت کاری خویش انجام دهند که در این موقع، حبس یا یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش درباره آن‌ها به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. همین طور، اگر جاعلین این مدرک‌ها و نوشته‌ها افرادی عادی و خارج از این محدوده باشند (قسمت پایانی ماده ۱۹۹).

۲-۱-۲. ارتکاب جعل معنوی

ملاحظه شد که لایحه تعزیرات در توصیف جعل‌های مادی و معنوی قابل ارتکاب از طرف کارکنان تشکیلات حکومتی و اجرایی، به سبب اهمیت، دو ماده مستقل را به آن‌ها اختصاص داده است. اما در رابطه با اعضای نهادهای خارج از این دایره، ماده غیر وابسته‌ای را در توجه به جعل معنوی قابل ایجاد از سوی آن‌ها وضع ننموده است. این نگرش از آن رو زیر سؤال است که این قشر نیز همچون گروه نخست، این امکان را دارند که در حیطه وظیفه شغلی خویش انحراف ورزیده و با تغییر موضوع یا مضمون یا قلب اظهارات شخص ثالث، مرتکب جعل در مفاد شوند. نمونه آن وقتی است که دادستان کانون وکلایی، پاسخ یک وکیل دادگستری مبنی بر عدم قبول اتهام دریافت حق الوکاله بیش از حد تعرفه از موکل را تحریف و عکس آن را در صورت مجلس قید کند. این مطلب البته به معنای نبود محملی برای مجازات این دسته در این وضعیت نیست، چه می‌توان به ماده ۱۲۴ که ناظر به عموم اشخاص مرتکب این نوع جعل و در بند بعد محور بحث است، استناد جست.

۲-۱-۳. اشخاص عادی

چون برای افراد خارج از مورد‌های بالا نیز مقدور است که از طریق توسل به انواع جعل مقاصد خویش را به پیش ببرند، باید دید موضع لایحه در این خصوص چیست.

۲-۱-۳-۱. ارتکاب جعل مادی

اشخاص غیروابسته به تشکیلات برشمرده شده، در سه بستر قادر به ارتکاب این نوع جعل خواهند بود:

■ نخست، از طریق ساختن یا تغییر محیلانۀ نوشته‌ها، اسنادها یا سایر مصداق‌های مربوط نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اجرایی موضوع مادۀ ۱۱۸ لایحه که در این صورت با حبس یا یکی از مجازات اجتماعی درجۀ شش روبه‌رو خواهند بود. این رویکرد در مقایسه با مادۀ ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی که به تحمیل حبس از شش ماه تا سه سال یا جزای نقدی سه تا هجده میلیون ریال حکم داده است، از حیث تعقیب هدف‌های سزادهی و بازدارندگی مجازات منطقی‌تر است. بدیهی است که در صورت گرایش قاضی پرونده به اعمال مجازات اجتماعی، اهتمام او به ماهیت این بزه، شخصیت مرتکب و بازدارندگی آن، اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال، در صورت جعل پروانۀ وکالت دادگستری، محرومیت فاعل از انتخاب این شغل به مدت دو تا چهار سال (بند چهارم از قسمت «ت» مادۀ ۹ لایحه)، واکنشی مطلوب و در برابر، منع وی از فعالیت در رسانه ملی در این مدت (بند ششم از همین قسمت)، تقابلی نامطلوب به نظر می‌رسد.

■ دوم، از طریق ساختن یا تغییر محیلانۀ نوشته‌ها، اسنادها یا سایر مصداق‌های مربوط نهادهای غیرحکومتی و دستگاه‌های اجرایی موضوع مادۀ ۱۱۹ لایحه که ضمانت اجرای آن در این حالت، مشابه مورد‌های گفته شده است. با توجه به اهمیت افزون‌تر نوشته‌ها و اسنادهای موضوع مادۀ ۱۱۸ نسبت به مادۀ ۱۱۹ در اجتماع، ایجاب می‌کرد که تعرض به آن‌ها واکنشی سخت‌تر در پی داشته باشد، همان‌طور که در خصوص مجازات کارکنان هر یک از این نهادها، ماده‌های مزبور چنین نموده‌اند.

■ سوم، از طریق ساختن یا تغییر محیلانۀ نوشته‌ها، اسنادها یا سایر مصداق‌های قانونی غیرمتعلق به نهادهای یادشده که حسب مورد می‌تواند متعلق به افراد مستقل یا وابسته به یک شخصیت حقوقی حقوق خصوصی باشد. اشخاص اخیر، مشتمل بر شرکت‌های تجاری مانند شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی و سایرین و مؤسسه‌های غیرتجاری اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی است (پاسبان، ۱۴۰۲، ص ۵۰۴۶). در این وضعیت، وفق مادۀ ۱۲۲ لایحه، یکی از مجازات‌های اجتماعی درجۀ هفت در حق او اجرا خواهد شد. این ماده در

واقع، جایگزینی برای ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که جرم موضوع آن، گذشته از واجد جنبه خصوصی بودن (ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۹)، با مجازاتی برابر با حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی بیست تا صد میلیون ریال روبه رو شده است.

۲-۱-۳-۲. ارتکاب جعل معنوی

در این که آیا جعلی با این وصف را می توان علاوه بر کارمندان نهادهای بالا به افراد عادی نیز نسبت داد، دیدگاه‌ها ناهم‌سوست. گروهی (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۴-۲۳۳)، با ارجاع به ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که در معرفی مرتکبان این جرم، از کارکنان اداره‌های دولتی، مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی به قید حصر یاد شده است، به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند. از این منظر، سندهای غیررسمی به هیچ رو نمی‌توانند موضوع جعل معنوی قرار گیرند. در برابر، برخی (منصورآبادی و فتحی، ۱۴۰۲، ص ۶۷؛ یارانی، ۱۴۰۳، ص ۷۵-۷۴؛ حاجی‌ده‌آبادی و گل‌محمدی شورکی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۲) با این تبیین که چون ماده ۵۳۶ این قانون راجع به جعل در سند غیررسمی و درباره نوع آن و مرتکبانش حاوی کلامی عام و بی‌قید است، نظری متقابل دارند.^{۱۲} چنان‌که اگر صاحب‌بنگاه معاملاتی در حین تحریر سند، گفته یکی از طرف‌های معامله را وارونه درج کند، یا نویسنده وصیت‌نامه عادی گفته‌های وصیت‌کننده را قلب و سپس انشا نماید، مشمول آن می‌شود. همین‌طور، رویه قضایی در این خصوص ناهمگون و سرگردان به نظر می‌رسد. چنان‌که در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۰۳ استان آذربایجان غربی (شهر اشنویه)، گروهی با استناد به ماده ۵۳۴، جعل مورد اشاره را تنها سازگار با رفتار کارمندان دولتی آن‌هم در حیطه وظیفه‌شان دانسته و از باب تفسیر مضیق نصوص جزایی به نفع متهم، انتساب آن را به رفتار دیگر اشخاص ناممکن توصیف کرده‌اند. گروه دوم در مقابل، نظر به اطلاق کلام قانون‌گذار در ماده ۵۳۶، رفتار مورد تأکیدش را مفید تحقق هر دو نوع جعل پنداشته‌اند. در نهایت، هیئت عالی با

۱۲. از حیث تحولات قانونی، اشاره به این نکته خالی از اهمیت نیست که ماده ۱۰۴ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) راجع به جعل معنوی تنظیم شده بود. پس از آن، ماده ۱۰۶ با ذکر این که: «هر کس به یکی از طرق مذکور، در اسناد و نوشتجات غیررسمی جعل یا تزویر کند...»، به امکان ارتکاب جعل مزبور در اسناد غیررسمی تصریح کرده بود. این رویه در قانون مجازات اسلامی نیز دنبال شد، زیرا در حالی که متن ماده ۲۷ به جعل معنوی اختصاص داده شده بود، ماده ۲۹ با تکرار عبارت ماده ۱۰۶، بر ممکن بودن جعل معنوی در اسناد و نوشتجات غیررسمی صحه گذاشت. اما ماده‌ای با این محتوا در قانون مجازات اسلامی کنونی پیش‌بینی نشده است. با وجود این نارسایی، نمی‌توان از اطلاق ماده ۵۳۶ گذشت و امکان تحقق چنین جعلی در این گونه اسناد را منتفی دانست (شیری، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷-۲۰۸).

تأیید نظر دوم آن را نه تفسیر موسع، بلکه تفسیر منطقی و رهیافتی در جهت کشف غرض مقنن تلقی کرده است (<https://davoudabadi.ir/p/3052789>). اداره کل حقوقی قوه قضائیه اما در یک نظریه مشورتی سال‌های قبل خود، بدون ارائه برهانی قابل قبول و تنها با بسنده کردن به ذکر این مطلب که از سیاق ماده بالا رفتاری جز جعل مادی دریافت نمی‌شود، آن را مشمول جعل مفادی ندانسته است.^{۱۳} اکنون ماده ۱۲۵ لایحه تعزیرات^{۱۴} با نگرشی واقعی و رهگشا به این تشتت پایان بخشیده و با پذیرش امکان انتساب این نوع جعل به اشخاص عادی، برای آن ضمانت اجرای حبس و حسب مورد محرومیت از فعالیت شغلی یا حرفه‌ای مرتبط، با درجه شش تعیین کرده است.

درباره نقطه‌های ضعف این ماده هم می‌توان اشاراتی داشت:

■ نخست: یکسان بودن کمیت و کیفیت ضمانت اجرای مندرج در آن نسبت به همگان، اعم از شاغلین در نهادهای موضوع ماده ۲ لایحه و اشخاص عادی. اصولی این بود که به ارتباط جعل مورد بحث با سوءاستفاده گروه مورد نخست از جایگاه شغلی خویش، به عنوان کیفیت مشدده خاص مجازات نگریسته می‌شد.

■ دوم: عدم رفع ابهام به جای مانده از قانون مجازات اسلامی در خصوص امکان ارتکاب این قسم جعل به واسطه ترک فعل است، زیرا برخی شیوه‌های ذکر شده در ماده ۱۱۶ مثل ساختن، الحاق نمودن، محو کردن، به کار بردن بدون مجوز مهر دیگری، شبهه بر پایه فعل بودن آشکال این جرم را به ذهن متبادر ساخته است. طریق مقرون به صواب، قائل به تمیز شدن نسبت به هر وضعیت است. چندان‌که در نحوه شکل‌گیری جعل مادی نمی‌توان جز به رفتارهای مثبت اندیشه کرد. اما در خصوص جعل معنوی، به همان میزان رفتارهای مثبت، رفتارهای منفی هم مؤثر در فرایند تحقق آن هستند. مورد نخست مثل موردی که متصدی آژانس مسکن به عمد، شرط مدنظر خریدار در مبیعه‌نامه را به صورت دگرگون شده قید کند. مورد دوم، مانند وقتی که همین فاعل، از قید یکی از شرط‌های مورد نظر شخص مزبور در متن تنظیمی

۱۳. نظریه شماره ۱۴۶۲-۷/۱۲-۳/۱۳۸۷.

۱۴. مطابق این ماده: «هر شخصی به مناسبت یا در راستای وظایف شغلی، صنفی، حرفه‌ای یا مسئولیتی که به وی واگذار شده است، در تحریر نوشته‌ها، قراردادها یا معاملات طرفین مرتکب جعل شود، اعم از آن‌که مضمون یا موضوع آن را تغییر دهد یا گفته، نوشته، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل یا چیزی که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهد، چنانچه مشمول ماده قبل نباشد، به حبس و حسب مورد محرومیت از فعالیت شغلی یا حرفه‌ای مربوط درجه شش محکوم می‌شود».

امتناع ورزد. به این ترتیب، بایسته بود که کلام ماده ۱۲۵ لایحه در مورد صلاحیت ترک فعل در تحقق جعل همراه با صراحت باشد.

۲-۲. اشخاص حقوقی

با توجه به ماده‌های ۲۰ تا ۲۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده‌های ۷۴۷ و ۷۴۸ بخش تعزیرات این قانون مصوب ۱۳۷۵، اهلیت جنایی اشخاص حقوقی، دیگری بی‌قاعده و محدود به نقض هنجار خاصی نیست. آن‌ها می‌توانند تحت شرایطی، هر جرمی از جمله جعل و جرم‌های بعد آن را مرتکب و مستقل از اعضای انسانی خود، بار مسئولیت کیفری آن را به دوش کشند، مگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی متکفل امور حاکمیتی مانند دادگستری، نیروهای نظامی و انتظامی و سازمان زندان‌ها (مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی). دلیل‌های این استثنا پرشمار و تشریح آن‌ها خارج از رسالت این نوشتار است. همین بس که اشاره شود به سودمند نبودن مجازات آن‌ها، جلوگیری از ایجاد اختلال در خدمات‌رسانی عمومی و حفظ اقتدارشان در عرصه داخل و خارج (غلامی، ۱۴۰۲، ص ۲۵-۲۴؛ صادقی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۷-۱۲۱). به این ترتیب، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی عهده‌دار امور غیرحاکمیتی، از طریق نماینده قانونی خود قادر به ارتکاب رکن‌های مادی و معنوی همه‌نوع جعل هستند، مشروط به این‌که نماینده مزبور مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، این جرم را مانند هر رفتار مجرمانه دیگر، به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی متبوع خود مرتکب شود، نظیر موردی که مدیر عامل شرکت تجاری در آستانه توقف و ورشگستگی، با جعل سند‌های مالی تظاهرکننده مطلوبیت اوضاع، نظر مثبت طرف مقابل خود را برای انعقاد قرارداد جلب کند (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۱۳). اگرچه درست‌تر این بود که به اجتماع دو شرط مورد ذکر برای تحمیل مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی اشاره و از سخت‌گیری کیفری ناروا در حشاشان پرهیز می‌شد (منصورآبادی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۸-۱۳۷؛ منصور بیستانی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۱-۱۲۰).

باری، ماده ۱۳۹ ناظر به نقض اخلاق پژوهش از طریق اقدام به تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار علمی از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب و گزارش به منظور انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل با هدف ارائه از جانب دیگری به عنوان اثر خود است. ضمانت اجرای این رفتار برای اشخاص حقیقی از جمله مدیران شخص حقوقی، جزای نقدی درجه سه و یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش و برای شخص حقوقی، پاسخ‌های درج شده در ماده‌های ۲۰ تا ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۷ لایحه است. وظیفه دادگاه‌گزینش صحیح یک یا دو مجازات از میان مصداق‌های در نظر گرفته شده، بر مبنای

شدت جرم و آسیب‌های منتج از آن است. مسئولیت کیفری اشخاص مورد اشاره البته به معنای نفی مسئولیت کیفری شخص حقیقی مقصر نیست و او هم، آماج مجازات‌های ذکر شده در بند «الف» ماده ۱۳۹ لایحه قرار می‌گیرد. این شخص از نظر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، نماینده قانونی شخص حقوقی است. با وجود این، بنابر ماده ۱۷ لایحه، اعضای هیئت مدیره یا هر مقام دیگری که جعل در راستای مصوبه یا دستور آن‌ها محقق شده نیز سرنوشت جزایی مشابه خواهند داشت. گذشته از این، همگی یک تا پنج سال یا به طور دائم از تأسیس، نمایندگی، تصمیم‌گیری و نظارت بر هر شخص حقوقی محروم خواهند شد.

ایرادهای لایحه نسبت به وضعیت وصف شده نیز از این قرار است:

■ نخست: معلوم نیست چرا قانون‌گذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تنها در خصوص خدشه در سلامت پژوهش برجسته کرده است، در حالی که تمام نمودهای مجرمانه زیر مبحث جعل طبق شرایط پیش گفته، می‌تواند منتسب به آن‌ها شود. وجود شمار کثیری از نهادهای حقوقی متخلف در حوزه پژوهش نیز نمی‌توانست دلیلی بر این امر باشد، زیرا در دیگر مظهرهای قانون شکنی نیز مثل تقلب مالیاتی، رشا و کلاه برداری، به رغم پررنگ بودن نقش اشخاص حقوقی، به طور خاص راجع به مسئولیت آن‌ها جهت‌گیری نشده است. از این رو، می‌بایست یا به نقش اشخاص حقوقی در ارتکاب هر یک از این جرم‌ها اشاره و تعیین ضمانت اجرا می‌شد و یا از اشاره موردی به قضیه به شکل بالا امتناع می‌ورزید.

■ دوم: ماده ۱۱۸ رفتارهای مجرمانه ناظر به حوزه پژوهش را متصف به صفت جعل نکرده است. اگر این امتناع به دلیل عدم اعتقاد به جعلیت ماهیت آن‌ها بوده، بدیهی است که طرح آن‌ها در اثنای بحث جعل وجهی نداشته است. در غیر این صورت، لحاظ نکردن عنوان مزبور برای این اعمال محل نقد است. در مصداق‌های مجرمانه مورد تأکید ماده مزبور ملاحظه می‌شود که از تهیه، عرضه و واگذاری آثار پژوهشی نام برده شده است. بدیهی است که همه این اعمال لزوماً در پیوند با جعل نیست، زیرا کافی است که شخص حقیقی یا حقوقی، بدون مجوز، آثار متعلق به دیگران از جمله رساله و پایان‌نامه را مهیا و در اختیار اشخاصی که نباید، قرار دهد؛ فرایندی که نه ساختن نوشته و انتساب ناروای آن به دیگری، و نه تغییر مزورانه در اثر متعلق به غیر به حساب می‌آید. از این رو، اطلاق عنوان مجرمانه دیگری به آن‌ها همچون سرقت ادبی به حقیقت نزدیک‌تر است.

■ سوم: مجازات‌های تعیین شده در این ماده، مختص شخص مبادرت‌کننده به تهیه، عرضه و واگذاری اثر است و شخص ارائه‌کننده جز در معرض سلب امتیازهای مادی و معنوی مترتب بر آن، از جمله اخذ

مدرک تحصیلی یا پایه علمی قرار نگرفته است (تبصره ۵). این تدبیر ناموجه است، چراکه در صورت جعل پنداشتن عمل نگارش اثر، رفتار ارائه‌کننده، استفاده از سند مجعول و مستحق همان میزان مجازات جاعل است. در صورت جرم خاص دانستن آن نیز شدت شناعت عمل شخص دوم در ارائه و متعلق به خود انگاشتن کار چندان است که تعیین مجازاتی هم پایه شخص نخست را سزاوار است.

۳. تشتت‌زدایی از احکام ناظر به تزویر در پول و سکه

تدبیرهای کیفری کنونی ناظر به جعل در حوزه پول، سندهای تعهدآور بانکی و جرم‌های وابسته به قصد تقلب، در ماده‌ها و مصوبه‌های مختلف و تفسیرپرداری بازتاب یافته‌اند. این وضع، استناد و به‌کارگیری آن‌ها را در هر قضیه دشوار نموده و لایحه مورد نظر برای برون‌رفت از این وضعیت، به تدبیرهایی دست زده است.

۳-۱. تنظیم مقرره یکتا نسبت به جعل اسکناس و سندهای تعهدآور بانکی

از پرمخاطره‌آمیزترین جعل‌های متصور که ورای آسایش عمومی می‌تواند جلوه امنیتی به خودگیرد، چاپ بدون مجوز و متقلبانه اسکناس‌های رایج داخلی و خارجی یا دیگر ورق‌های مالی متعلق خزانه است. در اوضاع فعلی، بند ۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به این موضوع ورود و تنظیم واکنش کرده‌اند. این پراکندگی موجبی برای مداخله لایحه مورد بحث و ایجاد نوآوری‌هایی این چنین بوده است:

■ نخست: وضع ماده ۱۲۰ و مستتر کردن همه احکام قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۸ در آن، همراه با تغییراتی.

■ دوم: توصیف جزایی «مورد معامله قرار دادن اسکناس‌ها و دیگر ورق‌های بانکی مجعول». پیش از این، مصداق‌های جرم‌انگاری شده علاوه بر جعل، به «وارد کردن»، «استفاده کردن» و «مصرف کردن» محدود بود و در شمول مورد دوم نسبت به «مورد معامله قرار دادن» تردید جدی وجود داشت (منصورآبادی و فتاحی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۲).

■ سوم: حذف مجازات اعدام و تعیین حبس درجه یک به جای آن در صورت برخورداری مرتکب از قصد اخلال در نظام پولی، بانکی، اقتصادی یا ضربه به نظام. سابق بر این، ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به ذکر عبارت «هر کس اسکناس‌های رایج داخلی یا خارجی یا ... را به قصد اخلال

در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید... چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود، به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود» اکتفا، و هیچ معیاری برای تشخیص محارب یا مفسد بودن بزهکار تعیین نکرده بود. مصوبه مجمع تشخیص و دیگر مقرره ها هم برای رجوع، ابهام های خاص خود را داشتند.

■ چهارم: اضافه شدن جزای نقدی معادل یک تا سه برابر عواید ناشی از جرم با توجه به جنبه مالی رفتار مرتکب به ضمانت اجرای حبس.

با این همه، مصلحت اندیشی لایحه در این حوزه توأم با نارسایی های زیر است:

■ نخست: جمع آوری مصوبه های پراکنده و ادغام همگی در ماده ۱۲۰، به طور کامل صورت نگرفته است، زیرا بخش های اختصاص یافته قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به این موضوع از جمله بند «الف» ماده ۱، نسخ نشده اند.

■ دوم: روند جرم انگاری رفتارهای وابسته، به موردهای خطر ساز دیگری چون نگهداری، خارج کردن، حمل کردن و در اختیار دیگران قرار دادن آنچه جعل شده، و نیز ساختن، نگهداری و خرید و فروش ابزارهای مختص جعل اسکناس و ارز تسری نیافته است.

■ سوم: از حیث مرتبه ضمانت اجرا، بین تحقق یا عدم تحقق نیت مرتکب مبنی بر اخلا ل در نظام پولی، بانکی یا اقتصادی یا آسیب به نظام تفاوتی گذاشته نشده است، در حالی که انتظار می رفت با در نظر گرفتن تبعات سوء فعلیت یافتن رفتار، برای حالت نخست، حبس درجه یک و برای حالت دوم، حبس درجه دو یا سه منظور می شد.

۳-۲. الحاق تزویر در سکه به خانواده جعل

از آن جاکه طبق بند «الف» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ (با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۹)، سکه های فلزی رایج، مانند اسکناس در زمره پول قانونی قرار دارند. اصولی است که شبیه سازی آن ها از سوی اشخاص بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی جعل تلقی و تحت این عنوان تعقیب شوند. با وجود این، معلوم نیست چرا بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، باب و نام مستقلی را برای این رویداد گشوده است. اما آنچه اکنون اهمیت دارد، تغییر مثبت صورت گرفته از سوی لایحه در این خصوص است. مسکوکات طلا و نقره نیز به واسطه برخورداری از صفت مورد معامله شدن، بیش از مسکوکات عادی مستعد ساخت، تخدیش و دیگر جلوه های تزویرند. با

این دید، شبیه سازی این دسته از مسکوکات، چندان که افکار عمومی را به پنداشتن آن‌ها به جای اصل اغوا کند، تعبیری جز جعل ندارد. اقدام سنجیده دیگر این پیشنهادنامه در رفع نقص قانون فعلی، جرم انگاری خارج نمودن عموم سکه های قلب و سکه های مخدوش طلا و نقره است. جایگزین کردن عنوان «معامله کردن» به جای «خرید و فروش» نیز تلقی کامل تری از این رفتار مجرمانه وابسته به ساخت سکه به دلیل شمول بر همه دادوستدهای بازار به دست داده است. جانشین شدن واژه «شخص» به جای «هر کس» در صدر ماده های ۱۴۰ تا ۱۴۲ پیشنهادی هم، به هدف اشاره دقیق تر به مرتکبان جرم های این حوزه از جمله اشخاص حقوقی صورت گرفته است. در نهایت، تدارک مجازات اجتماعی درجه پنج اضافه بر حبس، تقویت دفاع اجتماعی در برابر بزهکار را نوید می دهد.

از چند سو نیز می توان بر ماده بالا خرده گرفت:

- نخست: عدم جرم انگاری نگهداری و حمل مسکوکات قلب یا مخدوش شده و نیز عدم جرم انگاری اسباب و ویژه ساخت و تخدیش این سنخ مسکوکات.
- دوم: بی اعتنایی به مرزهای اعتباری نظیر کشتی ها و هواپیماها و عدم جرم انگاری وارد کردن مسکوکات قلب یا مخدوش شده به آن ها در خارج از مرزهای واقعی.
- سوم: عدم تمیز بین کارکنان بانک ها به خصوص بانک مرکزی و سایر اشخاص مرتکب قلب سکه و جرم های مرتبط از حیث تأثیر بر درجه مجازات آن ها.
- چهارم: عدم تأثیر قصد اخلال در سیستم پولی، بانکی و اقتصادی یا ضربه به نظام در تشدید مجازات مرتکب. در مورد آخر، ناگزیر باید به بند «الف» ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور متوسل شد.

نتیجه گیری

حسب یافته های پژوهش، مبحث نخست از فصل پنجم لایحه تعزیرات را باید نقطه عطفی در نگرش به بزه جعل و جرم های منضم به آن دانست، چه دربردارنده نوآفرینی های درخوری است که می توانند در رفع کمبودهای قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و دیگر مقرره های مربوط به این گستره تأثیری به سزا داشته باشند. از جمله این آورده ها زیر مجموعه جعل قرار گرفتن جرم های

ناظر بر مسکوکات به سبب همانندی در ماهیت و اشتراک در امر تزویر است. نتیجه عملی این قضیه ترتب همه احکام جعل بر تقلب در امر سکه است. رویکرد دیگر لایحه، تبدیل تردیدها به یقین درباره جعل به شمار آمدن رفتارهایی نظیر ساخت اثر انگشت دیگری یا کپی گواهی شده نوشته یا سند به منظور بستن مفر بزهکاران از تعقیب و تأمین بیش از پیش آسایش عمومی است. از بغرنج‌ترین آسیب‌های موجود در سیاست کیفری ناظر به بزه مورد بحث، تراکم قانون‌های وضع شده و آمیخته با ابهام‌هایی است که به هنگام استناد و اجرا چالش ایجاد کرده‌اند. توجه به این مسئله در قلمروهایی مانند اسکناس و سندهای تعهدآور بانکی و پایان دادن به پاشیدگی احکام مربوط، وجه مثبت دیگر لایحه است. در این پرتو، جایگزینی ضمانت اجرای مجازات اجتماعی در برابر جزای نقدی و حبس کوتاه مدت هم، تدبیر به کارگرفته شده منطقی است که بیش از پیش هدف‌های حقوق کیفری را تأمین خواهد کرد. همچنین، در پرتو این تحول می‌توان به طبقه‌بندی مناسب کنشگران این جرم و تصریح بر اهلیت آن‌ها بر ارتکاب هر قسم جعل اشاره کرد. با این حال، ضعف‌های اساسی‌ای به شرح زیر متوجه این لایحه است که سزااست پیش از تصویب برطرف شوند:

ماهیت بسیاری از رفتارهای گنجیده در مبحث جعل، متفاوت از جرم مزبور بوده و به جاست از آن منفک و در مبحث مجزایی قرار گیرند، اگر نه همه، بلکه اغلب نقض‌های ضوابط پژوهشی از این دسته‌اند.

عدم ارائه تعریفی از جعل و اکتفا کردن به ذکر مصداق‌های آن در ماده ۱۱۶. پیشنهاد این است که ذکر شود: «جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن نوشته یا دیگر نمونه‌های ذکر شده در قانون به قصد یا با علم به اضرار به غیر».

با وجود پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، مداخله اشخاص حقوقی در مبحث مورد نظر از لایحه، به صورت گزینشی و در خصوص نقض حریم پژوهش برجسته نشان داده شده است، درحالی‌که در قلمروهای مهم دیگری مانند تزویر در حوزه اسکناس و سکه هم نقشی نمایان و قابل ذکر دارند.

عدم اعتنا به برخی رفتارهای متصل به جعل، از جمله حمل و نگهداری اسکناس مجعول و نیز ساخت، نگهداری و خرید و فروش ادوات مخصوص این جرم هم پذیرفته نیست و ضرورت توصیف جزایی دارند.

عدم تعیین ماده‌ای مستقل از افراد عادی با ضمانت اجرای سنگین‌تر راجع به ارتکاب جعل معنوی از سوی کارکنان مراجع موضوع ماده ۲ لایحه نیز مطلوب نیست و جای درنگ دارد. عدم تصریح به مرزهای اعتباری، جرم نبودن وارد کردن اشیای مجعولی چون اسکناس به کشتی‌ها و هواپیماهای ایران در خارج از قلمرو حاکمیت را باعث می‌شود که باید تغییر موضع داد.

عنوان مبحث نخست از پنجم لایحه، جعل و استفاده از مجعول است که پوشش دهنده همه رفتارهای ذکر شده در ماده‌های زیر آن، از جمله تخدیش، حمل، نگهداری و معامله نیست. جایگزین بهتر، عنوان «جعل و جرم‌های وابسته» است.

فهرست منابع

۱. بارانی، محمد. (۱۴۰۳ش). **جعل و تزویر در قانون و رویه قضایی ایران**. تهران: مرکز آموزش قوه قضائیه.
۲. یاسیان، محمدرضا. (۱۴۰۲ش). **حقوق شرکت‌های تجاری**. تهران: سمت.
۳. پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۹۲ش). **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**. تهران: میزان.
۴. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ گل‌محمدی شورکی، علیرضا. (۱۳۹۹ش). **جعل مفادی**، در نظام کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی، **مطالعات علوم سیاسی**. حقوق و فقه، ۶(۴)، ۲۴۶-۲۲۸. <https://civilica.com/doc/1502192>
۵. حیدری، پوریا. (۱۴۰۱ش). **نکته‌ها در حقوق جزا**. تهران: چتر دانش.
۶. جعفری، مجتبی. (۱۳۹۵). مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. **پژوهشنامه حقوق کیفری**، ۲، ص ۷-۳۲. https://jol.guilan.ac.ir/article_2028.html
۷. زراعت، عباس. (۱۳۹۴ش). **شرحی بر قانون مجازات اسلامی**. تهران: ققنوس.
۸. زیرائی، محمدحسن؛ موسوی، سید ابراهیم؛ مرادی، سید فاطمه. (۱۴۰۲ش). **شرح جامع حقوق قانون مجازات اسلامی**. تهران: کتاب آوا.
۹. ساریخانی، عادل. (۱۳۸۴ش). **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**. قم: دانشگاه قم.
۱۰. سالاری شهراباکی، میرزا مهدی. (۱۳۹۳ش). **جعل و تزویر**. تهران: جنگل.
۱۱. ستاری، بهزاد. (۱۴۰۳ش). **شرح جامع حقوق جزای اختصاصی**. تهران: ارشد.
۱۲. سلیمان‌پور، محمد. (۱۳۹۶ش). **جعل اسناد در حقوق ایران**. تهران: سمت.
۱۳. شاکری، ابوالحسن؛ رضایی سراجی، زهرا. (۱۳۹۳ش). **تقلب در جعل اسناد**. **مجله تحقیقات حقوقی**، ۶۵، ص ۱۶۱-۱۸۶. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56151.html
۱۴. شیر، عباس. (۱۴۰۱ش). **جعل و تزویر**. تهران: میزان.
۱۵. صادقی، سالار. (۱۴۰۱ش). **مبانی مسئولیت کیفری دولت**. تهران: مجد.
۱۶. غلامی، علی. (۱۴۰۲ش). **حقوق جزای عمومی**. تهران: میزان.
۱۷. فضل، امیر. (۱۴۰۱ش). **تحلیل جزایی عناصر سازنده جرم جعل و استفاده از سند مجعول در نظام کیفری ایران**. **رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی**، ۱۲، ص ۲۸۳-۳۱۴. <https://civilica.com/doc/1880158>
۱۸. کامفر، بهداد. (۱۴۰۳ش). **دوره پیشرفته حقوق جزا**. تهران: اندیشه نوین پژوهش.
۱۹. کوشا، ارسلان. (۱۳۸۱ش). **مطالعه تطبیقی جرم جعل معنوی اسناد در حقوق جزای ایران و فرانسه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
۲۰. گرایلی، محمدباقر. (۱۳۸۹ش). **بررسی جعل و تخریب و اخلاف رایانه‌ای**. **آموزه‌های حقوقی**، ۱۴، ص ۱۵۹-۱۸۸. https://cld.razavi.ac.ir/article_872.html
۲۱. گلشنی، محمد؛ میرسعیدی سید منصور؛ غلامی، حسین. (۱۴۰۱ش). **سیاست جنایی ایران در**

پیشگیری از جعل اسناد خودرو با رویکرد انتظامی. **جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ۵ (۱۰)، ص ۱۲۸۵-۱۳۰۰.

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.322126.2889>

۲۲. مصلاهی، علیرضا. (۱۳۸۳ش). **جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران**. تهران: ناشر سوم.

۲۳. معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری استان تهران. (۱۴۰۳ش). **رویه قضایی محاکم استان تهران**. تهران: انتشارات دادگستری کل تهران.

۲۴. منصور بستانی، علی جواد. (۱۴۰۱ش). آثار جعل رایانه‌ای در حقوق ایران و فرانسه. **حقوق و علوم جزا**.

ص ۱۱۲-۱۲۵. <https://joce.ir/user/articles/2859>

۲۵. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۳ش). **حقوق جزای عمومی ۲**. تهران: میزان.

۲۶. منصورآبادی، عباس؛ فتحی، محمد جواد. (۱۴۰۲ش). **جعل و تزویر و جرایم وابسته**. تهران: سمت.

۲۷. میرکمالی، سید علیرضا؛ عباس‌زاده امیرآبادی، احسان. (۱۳۹۳ش). تحلیل جرم جعل مفادی، **آموزه‌های حقوق کیفری**، ۸، ص ۲۰۷-۲۴۱.

https://cld.razavi.ac.ir/article_688.html

۲۸. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۳ش). **جرایم علیه مصالح عمومی کشور**. تهران: میزان.

۲۹. همتی، مجتبی. (۱۴۰۰ش). قلمرو شمول و استثنائات قانون مدیریت و خدمات کشوری و قانون کار؛

چالش‌ها و راهکارها. **پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، ۴ (۱۱)، ۲۴۳-۲۷۳. <https://doi.org/10.22034/>

[mral.2022.539410.1193](https://doi.org/10.22034/mral.2022.539410.1193)

30. <https://davoudabadi.ir/page/4361250>

31. <https://davoudabadi.ir/p/3052789>